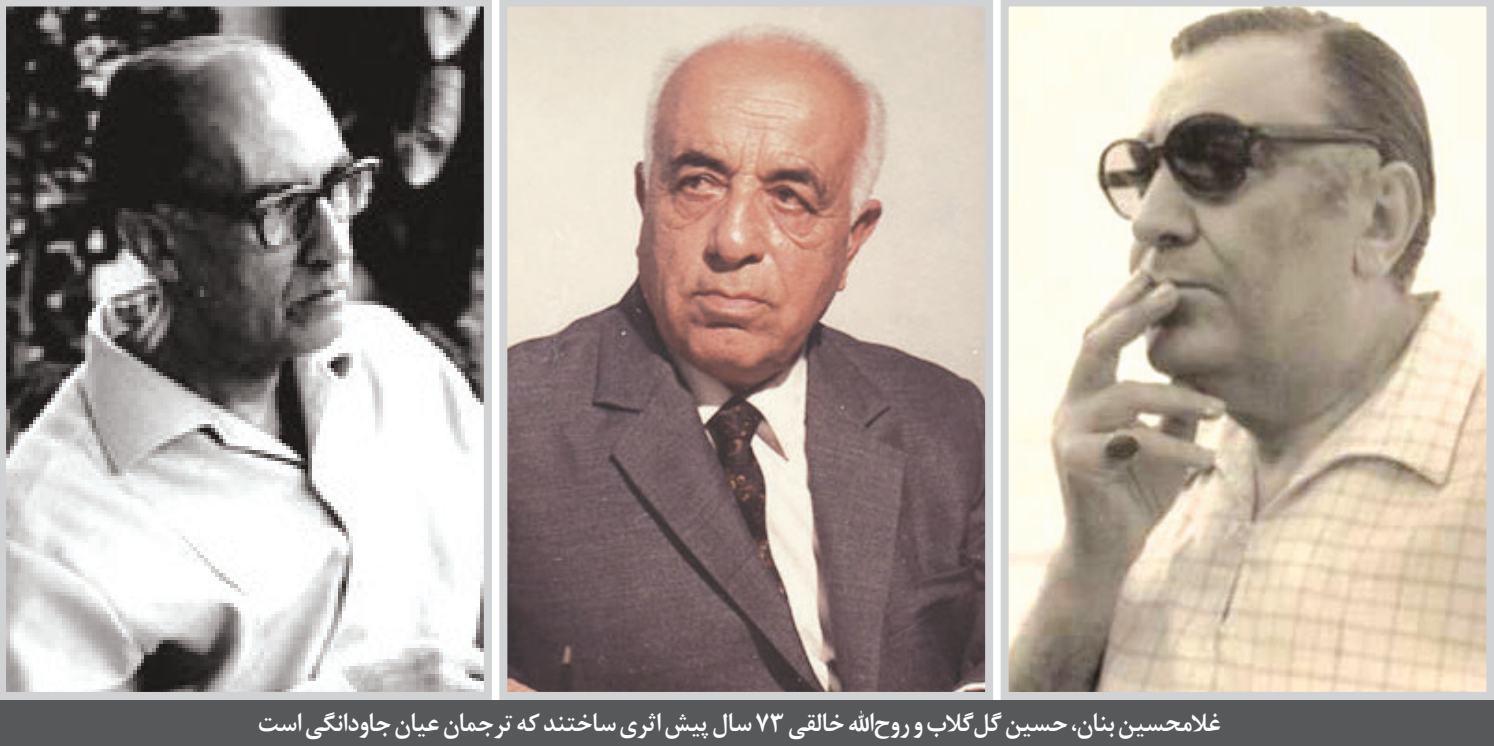


فرهنگ و هنر

به بهانه تولد حسین گل گلاب بررسی شد؛سرود «ای ایران» چگونه خلق شد و ماندگار ماند

اتحاد زیر سایه یک ترانه ملی

◀ **فرهاد فخرالدینی، محمدجلیل عندلیبی، شهرام ناظری، سالار عقیلی و محمد گلریز از راز مانایی «ای ایران» می‌گویند**



غلامحسین بنان، حسین گل گلاب وروح‌الله خالقی ۷۳ سال پیش اثری ساختند که ترجمان عیان جاودانگی است

همدلی|علی نامجو – کش آمدن تصاویر و صداهادر ذهن. آن‌م سرزنگ‌شایدبرای بسیاری از ما تجربه دور و ناآشنایی نباشد. لحظه‌ای که در خیابانی شلوغ و پرسر و صدا دل شوره می آید سراغ دل آدمی و چند لحظه بعد برخورد با ماشینی در همان خیابان دلیل دلشوره را آهسته تر از ریمت معمول عبور رویدادهاز جلوی چشم، به تصویر می کشد و دورتر و دیرتر از مرگ سهراب نوشادروی دلگیری و افسردگی را عیان می کند، تجربه‌ای آشناست برای اغلب آدمها از کش آمدگی نوار صدا و تصویر دریافتی ذهنشان. آن روز هم کش آمد صدا و تصویر اما دامه پیدا کرد تا امروز.برافروخته شده بود این تعرض، شاید تماشای این صحنه کبریتهی شد تا احساسات گل گلاب که از قبل تحریک شده بود را به آتش بکشد،راهش را بدون لحظه‌ای درنگ صاف بگیرد تاانجم، به آستانه انجمن موسیقی ملی که رسید گم‌هایش را محکم تر کرد و به محض روبه رو شدن با روح الله خالقی آهنگساز نام آشنای تاریخ معاصر ایران لب به شکوه گشود از غم زمانه‌ای که بیش از آنچه می شود تصور کرد، دامه دار شد و ماند اول کار، صرا افتاده بود برای رفتن به دفتر موسیقی ملی، به خیابان هدایت که رسیده، قدم هایش را تندتر کرد.با روح‌الله خالقی قرار داشت، هفته‌ای چند پار می رفت آنجا این بار اما ملاقات با پروفیسور موسیقی ایران بر بوم تاریخ هنر ایران نقشی زد که تا امروز باقی است و هنوز شنیدنش تازگی دارد.دکتر حسین گل گلاب گیاه شناس، شاعر و نوازنده ایرانی بناداشت برود به دیدار دوست آهنگسازش اما کمی مانده به انجمن موسیقی ملی در همان خیابانی که ساختمان انجمن واقع شده بود،از دحام مردم کنجکاش کرد.قدم

ملودی برای فریاد عشق

فرهادفخرالدینی

موسس ارکستر ملی، آهنگساز



بارها در قالب یک سوال به اهمیت موسیقی ایرانی و پیوند عاطفی که مردم این سرزمین با آن برقرار کرده اند پرداخته ام. سوال همچنان همین است که اگر به جای زنده یاد روح الله خالقی، فونکارایان به عنوان بزرگترین رهبر ارکستر موسیقی در جهان بنا بود ار کستر گل ها را رهبری کند آیا ماحصل کار همان مجموعه فاخر و دلربایی که امروز بخشی از گنجینه موسیقی ایرانی به حساب می آید بود؟ تجربه شخصی من به عنوان رهبر ارکستر موسیقی ملی در سال های رهبری این ارکستر حاکی از عشق سیری ناپذیر مردم به کارهایی از این دست بود. «ای ایران» به عنوان ترانه ای ملی بارها از سوی ارکستر اجرا شد و خیلی وقت ها مسئولان به این مسئله اعتراض کردند. فارغ از علاقه شخصی به ملودی که خالقی بر روی شعر مرحوم گل گلاب ساخت این اثر در قلب و جان مردم ایران رسوخ کرده است. همنشینی گل گلاب، خالقی و بنان در «ای ایران» کاری کرد که شاید نتوان تنها از منظر فنی به آن پرداخت. بارها برابم پیش آمده که موقع اجرای این اثر اشک ها و لبخندهای مردم مرا تحت تاثیر قرار داده است. آنها یک پارچه «ای ایران» را فریاد زده اند و زمزمه اش کرده اند. آنها عاشق ایران هستند و این اثر تجلی عشقشان به سرزمین مادری است. سال ها از خلق این اثر می گذرد و علاقه ایرانیان به آن دراز دامن تر از چیزی است که بتوان در میان واژه ها توصیفش کرد.

تراز شایستگی

شهرام ناظری

خواننده موسیقی ایرانی



وقتی اثری تا این حد مانا می شود به احتمال باید زمینه های تاثیر گذاری و عوامل موثر در خلق اثر را کنار هم مورد توجه قرار داد. زنده یاد غلامحسین بنان از معدود خوانندگان موسیقی ایرانی است که بر اساس ویژگی های صوتی اش آثاری را که پیشنهاد می شد، مدنظر قرار می داد. بنان وسعت صدای چندانی نداشت اما معنای شایستگی را با تمام ظرفایش نیک می دانست. با صدایی که دو دانگ بیشتر نبود تأثیری بر آواز ایرانی گذاشت که بسیاری از مدعیانش داشتن ۶ دانگ صدا آرزویش را داشتند. گرمی و وقار آن صدا در «ای ایران» تجلی پیدا کرد. آن حس دلنشین را به چه شیوه دیگری می شد ارائه داد؟بنان صدایی داشت اتو کشیده، منظم، و زیبا. او از جمله خوانندگانی است که آراسته آواز می خواند. از سویی دیگر روح الله خالقی نقطه عطفی است در موسیقی ایرانی. آهنگساز شهیر میراثی از خود بر جای گذاشته که بعد از خودش هیچ کس نتوانست به همان شیوه و کیفیت ادامه اش دهد. نگاه او به ارکستراسیون چنان بود که توانست در تمام سال های فعالیتش به عنوان رهبر ارکستر گل ها آن نوع از موسیقی ایرانی را تعریف کند و پایه هایش را استوار بر زمین هنر ایران بکوبد. همنشینی این دو با کلامی که بر آمده از درد، رنج، شکیبایی و عشق و به ایران بود باید هم تا روزهایی که هنوز نیامده اند مانا باشد و استوار. گل گلاب که ادیب بود و مدرس دانشگاه، در یکی از معدود تجربیاتش مفهومی از ملیت ارائه داد که لبریز صمیمیت و

تصویر استوارِ موز پر گهر

سالار عقیلی

خواننده موسیقی ایرانی



شاید بنوان ادعا کرد «ای ایران» دوست داشتنی ترین و مقبول ترین اثری موسیقایی است که در حوزه موسیقی ملی-میهنی ارائه شده است. این اثر به دل و جان اقوام مختلف ایران نشسته و هنوز بعد از سال ها نسبتاً طولانی که از خلقش می گذرد ایرانیان در مجامع مختلف و در شکست ها و پیروزی ها زمزمه اش می کنند. شعر این اثر با آن نگاه اجتماعی که کلام روانشاد گل گلاب از آن برخوردار است تصویر چشم نوازی از همنشینی ایرانیان در این ملک و راز ماندگاری و بقای سرزمینی که همه ما دوست دارش هستیم. حضور اهل موسیقی در میدان خلق آثار ملی - میهنی آنقدر مقبول افتاده که هنوز هم هر اثری درباره ایران ساخته می شود مردم عاشقش می شوند. از منظر موسیقایی آهنگساز این اثر یگانه استاد بی بدیل موسیقی ایرانی است.وقتی پای زنده یاد استاد خالقی در میان باشد انتظار شنونده جز ماندگاری چیز دیگری نیست. حالا کافی است نام زنده یاد گل گلاب و زنده یاد استاد غلامحسین بنان هم در کنار نام زنده یاد خالقی قرار بگیرد. آن وقت است که حضور و همنشینی درست معنا می شود. در آن دوره زمانی استاد زنده یاد غلامحسین بنان با فن آوازی بی بدیل کاری کرد که «ای ایران» ترجمان حال و روز زندگی ایرانیان باشد. هنوز که هنوز است کلام گل گلاب و ملودی منحصرفرد استاد کامل روح الله خالقی تصویر ایستاده و استواری می سازد برای غرور ایرانیان؛ برای پاسدانش این مرز پر گهرا!

افسردگی که حماسه شد

محمدجلیل عندلیبی

رهبر سابق ارکستر اقوام و آهنگساز موسیقی ایرانی



سرودی است که ترانه ملی شد. این گزاره تعبیر و برداشت من از «ای ایران» است. ماجرای که زنده یاد حسین گل گلاب از موقعیت ایران به چشم خود دیده، بهانه خلق اثری شد که شنیدنش هنوز روح ایرانیان را می لرزاند. «ای ایران» این ترانه ملی از منظر موسیقایی اثری است منحصربفرد. به نظر می رسد گل گلاب تم کار را در اختیار پرفسور خالقی قرار داده باشد. غم ملودی، راوی تلخی زمانه است. بخشی از شعر در ابتدا گفته شده است. شاهد این مدعا کوتاه و بلند شدن مصراع ها در ادامه کار می تواند باشد. زنده یاد خالقی بقیه اثر را تصنیف کرده و شعر روی آنها نوشته شده است. کشیدن نت آید و پیوسته شده در گوشه عشاق نشان می دهد، بخش اعظمی شعر روی ملودی نوشته شده است.

کار روح روح الله خالقی، تنظیم عالی او و استفاده استاد از نعمات دشتی نقش خود را ایفا می کند. نقش کُرال در بعضی از فرازها که به خوبی جواب بنان را می دهند نمونه‌ای از تنظیم خوب خالقی است. از جهت مدگردی دشتی در درجه پنجم شور قرار دارد. خالقی دارد با نوشتن اثر در نت های بالا داد می کشد بر سر روزگار. در انتهای اثر گردش به گوشه «عشاق» و ادامه کار در نت های بالاتر، راهی است که از مسیر آن ملودی ها فریاد می زنند.

آهنگساز، شاعر و خواننده هر سه در این اثر بهترین کار ممکن را ارائه دادند. انجام موجود در «ای ایران» دلیلی است بر این حضور. مسئله بعدی نوستالژی موجود در اثر است. درست مثل همنشینی دو مفهوم جوانی و پیری است وقتی موی سپید کرده باشیدی مفهومش را در می یابی. آواز خوب استاد بنان نمونه‌ای است از اجرای اصیل با تحریرهایی که مختص خود اوست. بنان دستمایه هایی از ردیف را در این فرم اجرایی در ریمت سرود اجرا کرده است. از تحریر گرفته تا ویبراسیون های مختص موسیقی ایرانی و ... درست مثل همیشه هنرمند حساس از رخدادها و حوادث تاثیر می گیرد. آن روزها غم در این ملک جاری و ساری بود. با این وجود آدم ها ساده بودند و حالش، معنویت بر صدر نشسته بود و نان حرف اول و آخر را نمی زد. اینطور اگر نبود حظوری می شد انتظار داشت زنده یاد گل گلاب چنان تأثیری از آن تلخ کلامی ها بگیرد که مسبب خلق اثری شود.چودانه حوادث آن سال ها شد غمی برای اثر و «دشتی» هموارترین مایه موسیقایی بود که می توانست روایت گری کند این غصه های عیان را.

سرود ملی غیر رسمی

محمد گلریز

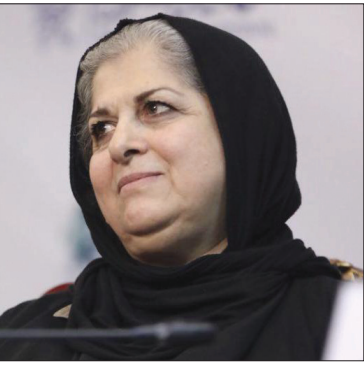
خواننده



برای من ترانه «ای ایران» باوری است ملودیک از عشق به این ملک. ترانه ای که بسیاری دوستدارش هستند بر خلاف بسیاری از آثار تولید شده، تمام ویژگی های لازم برای آنکه نام سرود ملی را رویش بگذاریم دارد. هم مردمی است،هم کلامش در یادها مانده و ماندگاست. به وقت شکست ها و پیروزی ها، در لحظات آشکار شدن غم، «ای ایران» همان موسیقی است که می شود بروید و سراغش و به ایران افتخار کنید. در تمام سال های زندگی ام نمونه دیگری جز این اثر را سراغ ندارم که همگان با شنیدنش احساس غرور نکنند. در تجربه کنسرت هایی که در داخل و خارج از ایران داشته ام همیشه مردم خواستار اجرای «ای ایران» بوده اند. من از روی صحنه به هر طرف که نگاه می کردم، می دیدم که با غرور و اشک شوق، سرود را می خواند. ما هم اشک مان درآمده بود و ارکستر حال و هوای بسیار زیبایی پیدا کرده بود.این اثر چودانه حاصل همنشینی افرادی است که ایرانی ترین ایرانیان اند. روان شان غلامحسین بنان ، حسین گل گلاب و روح الله خالقی کاری کردند که بعد از حدود نیم قرن از خلق «ای ایران» بسیاری از ما با شنیدنش ذهن و ضمیر را دوباره ملو از حس ایران دوستی بدانیم. پادشان گرمی باد تا همیشه!

سینمای ایران

انتقاد فرشته طائرپور از شرایط نابرابر اکران نوروزی منتظر بیلورد‌های ارگانی و صداوسیما هستیم



از میان ۱۶ فیلم متقاضی، ترکیب اکران نوروزی با هفت فیلم کامل شد و «خاله قورباغه» یکی از آثاری‌ست که بیرون ماند. فرشته طائرپور تهیه کننده این فیلم که اسال داور جشنواره فجر هم بود، با انتشار متنی طعنه آمیز با تیتراژ «چهل مویز و یک قلندر» از وضعیت اکران انتقاد کرده است.

او در این یادداشت نوشته است: «به زودی همه می‌بینیم که سرانجام از میان شانزده فیلم داوطلب اکران نوروزی، کدام فیلم‌ها –با تناسب و بی تناسب– به این موقعیت دست پیدا خواهند کرد. به زودی همه می‌بینیم که هر فیلم، چه تعداد سینما در تهران و شهرستان‌ها در اختیار خواهد داشت. به زودی همه می‌بینیم که کدام فیلم‌ها، با تکیه بر حمایت‌های بالادستی، علاوه بر سالن‌های سر گروه و گروهی که پخش‌کننده برایش فراهم می‌کند از امکانات ویژه، گسترده و تعیین‌کننده برخی نهادها نیز برخوردار خواهند شد. به زودی همه می‌بینیم که چرا سایر فیلم‌های داوطلب از حضور در این میدان رقابت نابرابر کنار کشیدند و به اکران محدود و کم‌سالن آن‌هم در چند سانس متغیر تن ندادند.»

طائرپور در ادامه انتقادهایش نوشته است: «به زودی همه می‌بینیم که تبلیغات چشمگیر میدانی سطح شهر از عرشه پل‌های هوایی گرفته و تا بیل‌برده‌های کوچک و بزرگ –خصوصاً متعلق به ارگان‌های دولتی– در اختیار کدام فیلم یا فیلم‌ها قرار خواهند گرفت. به زودی همه می‌بینیم که سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، چگونه با ساختوتی‌بی سابقه، مکرر و مکفی، به پخش آونوس‌ها و تیزرها و زیرنویس‌های تبلیغی کدام فیلم بی‌ساقط خواهد بود یا قرار است با کاربرد ضرب‌المثل بیننده‌ترین برنامه‌های خود خواهد پرداخت. به زودی همه می‌بینیم برای کدام فیلم یا فیلم‌ها، امواج گسترده پیامک‌های مخابراتی جهت تأیید و تبلیغ به راه خواهد افتاد.

به زودی همه می‌فهمیم که اکران نوروز ۹۷، مانند اغلب سال‌های رفته‌حکایت یک مویز و چهل قلندر خواهد بود یا قرار است با کاربرد ضرب‌المثل چهل مویز و یک قلندر هم آشنا شویم.»

این تهیه‌کننده سینما به وضعیت فیلم خود هم اشاره کرده است: «ای کاش به صاحبان سالن‌های دولتی و مصادره‌ای، صدا و سیما و دست‌اندرکاران جریان‌های تبلیغاتی، معرفت و انصاف بیشتری بدهد تا صرفاً در اختیار یکی و نصفی فیلم‌نباشند و برای همه فیلم‌های اکران نوروزی نقشی حامیانه ایفا کنند. فیلم «خاله قورباغه» من هم به یاری خدا بماند برای وقتی که ایام، ایام عزا و عبادت و امتحانات و... نباشد و فیلمسازان ویژه یک دل‌سیر از اکران بهره‌برده باشند و یا شاید هم وقتی که بالاخره یک گروه سینمایی برای فیلم‌های کودک –به رسم دهه شصت– تشکیل شده باشد یا سهمی اندک و غیرقابل انتقال به فیلم‌های بزرگسالان؛ ولو خیلی فاخر.»

حضور فیلم کوتاه «دوست دارم» در جشنواره ایتالیا

فیلم کوتاه «دوست‌دارم» به کارگردانی بابک حبیبی فر در جشنواره فیلم ایتالیا به نمایش در می‌آید.

فیلم کوتاه «دوست‌دارم» به کارگردانی و بازی بابک حبیبی فر در جشنواره فیلم Skepto در کشور ایتالیا به نمایش در می‌آید.

به گزارش مهر، این جشنواره که امسال نهمین دوره اش برگزار می‌شود از ۱۱ تا ۱۴ آوریل (۲۲ تا ۲۵ فروردین ۱۳۹۷) در شهر کالیاری ایتالیا برگزار می‌شود.

سه سال پیش «ماهی و من» دیگر ساخته بابک حبیبی فر جایزه بهترین فیلم این جشنواره را به دست آورد.

عوامل اصلی «دوست‌دارم» عبارتند از: کارگردان، تهیه‌کننده، تدوینگر و بازیگر: بابک حبیبی فر، نویسنده: مرتضی خداب، فیلمبردار: حسن اصلتی، صدابردار: مهرداد بهروز نیبا، صداگذاری: محمد رضا مکی و سامان شهامت.

